

نگاهی به سرگذشت شیعه پژوهی در غرب

ویلفرد مادلونگ، از درانداختن طرحی کلی تا غور در متون کهن شیعی



حمیدرضا تمدن

دبیرپرونده

در باره مطالعات شیعه پژوهی در غرب، پس از آن نسل اول در نیمه نخست قرن بیستم که به صورت عمومی تشیع را مورد مطالعه قرار دادند، شاهد جریان های گوناگونی هستیم که روششان به صورت قابل توجهی متفاوت از گذشتگان نشان است. ممکن است قدری درباره این رویکردهای نوین توضیح دهید؟

نسل دوم از شیعه پژوهان که در غرب به ویژه پس از کنفرانس استراسبورگ در نیمه دوم قرن بیستم سر بر آوردند، کسانی هستند که طرحی از بیرون تشیع و تاریخ تشیع دارند. به عنوان جزوی از اسلام به سراغ شیعه می آیند و تشیع را در درون طرح کلی شان معرفی می کنند. مثلاً ولهاوزن بر اساس آن نگاهی که به تاریخ بنی اسرائیل و یهودی گری تاریخی دارد شیعه را معنا می کند، هاینتس هالم بر اساس آن انگاره باطنی گرایی و کنوسی گری مطالعه می کند و فان اس بر اساس طرح جامعه شناختی خود در باب دین، شیعه را ترسیم می کند. این نسل یا رویکرد دوم است.

اسلام پژوهی و به طور ویژه، شیعه پژوهی در مغرب زمین تا امروز مراحل گوناگونی را از سر گذرانده است. دکتر محمد تقی سبحانی در مصاحبه با مجله باور، این مراحل را به سه دوره تقسیم کرده و کوشیده است تا با مروری گذرا بر دوره نخست، ویژگی های دوره دوم که ویلفرد مادلونگ بیشتر عمر پژوهشی خود را در آن صرف کرده و همچنین برخی از دستاوردهای این دوره را بیان کند و با تحلیل پیشینه شیعه پژوهی، وضع امروز و آینده این نوع مطالعات در محافل علمی غرب را ارزیابی و تحلیل نماید و همچنین سهم مادلونگ را در این مسیر به تصویر بکشد. در این گفت و گو با محمد تقی سبحانی به بررسی تطبیقی ایده اسلام پژوهان غربی در حوزه نظور اندیشه امامیه در قرون نخستین پرداخته ایم.